

تبیین نقش و جایگاه بندر گوادر در راهبرد کلان امنیتی «چین – پاکستان»

سید عباس احمدی^۱

ابراهیم احمدی^{۲*}

مهدی حیدریان^۳

چکیده

۱۵۹



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره نهم، شماره

سوم، شماره پیاپی

سی و سوم

پاییز ۱۳۹۸

سرعت رشد روابط چین و پاکستان طی بیش از شش دهه گذشته در تمامی زمینه‌ها (اقتصادی، سیاسی، نظامی، امنیتی و...) به گونه‌ای بوده که می‌توان از صفت استراتژیک برای توصیف آن بهره برد. در ادامه همکاری‌های همه‌جانبه چین و پاکستان، طرح توسعه بندر گوادر یکی از اولویت‌های اصلی دو کشور است که در بردارند اهداف بلند مدت برای آنها است. این پژوهش قصد دارد با عطف به نظریه امنیتی مکتب گپنهاگ به اهداف نهان و پنهان طرح توسعه بندر گوادر بپردازد. سوال اصلی مقاله اینگونه است؛ در طرح توسعه بندر گوادر پاکستان توسط چین، چه اهداف خاصی نهفته است؟ به نظر طرح توسعه بندر گوادر دارای اهدافی فراتر از صرف اهداف خاص اقتصادی است. در طرح توسعه این بندر استراتژیک، حصول زیربنای امنیت به اشکال امنیت همه‌جانبه (موسع)، هدف نخستین، اصلی و نهایی دو کشور است. مراد از امنیت موسع، نمود امنیت به‌اشکال گوناگون امنیت اقتصادی، امنیت نظامی - دفاعی، امنیت سیاسی، امنیت سرزمینی و... است. محاصره هند (استراتژی گردنبند مروارید)، ایجاد موازنه با ایالات متحده در مناطق پیرامونی (خلیج فارس، دریای چین جنوبی و...)، گزینه بندر چابهار ایران (به اشکال همکاری و رقابت)، تسلط بر مناطق واگرای قومی - مذهبی سین کیانگ و قومی بلوچستان، دور زدن مسیر طولانی و ناامن آبهای مالاکا و اهداف تجاری (با آسیای مرکزی، افغانستان، ایران، کشورهای حوزه خلیج فارس و بخشی از آفریقا) از جمله دلایل علاقه دو کشور در بسط توسعه این بندر راهبردی است.

واژگان کلیدی: بندرگوادر، مکتب گپنهاگ، چین، پاکستان، هند، آمریکا، ایران

۱. استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

۲و۳. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

* e_ahmadi@modares.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۱۲

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره پیاپی سی و سوم، صص ۱۵۹-۱۸۸

مقدمه

روابط چین و پاکستان در توصیف رهبران دو کشور «یک دوستی فرازمینی» نام گذاری شده، که بلندتر از کوه‌ها، عمیق‌تر از اقیانوس‌ها، محکم‌تر از فولاد و شیرین‌تر از عسل است. سطوح بالای روابط دو کشور به حدی است که برخی این روابط را همانند روابط ایالات متحده آمریکا و اسرائیل دانسته و پاکستان را اسرائیل چین در جنوب آسیا به‌شمار می‌آورند. الزام فهم روابط استراتژیک چین و پاکستان در چارچوب درک سیر تاریخی روابط درهم تنبیده و بهم وابسته‌ی دو کشور بیش از شش دهه از استقلال پاکستان (در ۱۹۴۷) تا کنون است. دو سال پس از استقلال پاکستان در سال ۱۹۴۹م، دولت پاکستان بلافاصله رژیم جدید حاکم بر چین کمونیست را به رسمیت شناخت، که به دنبال آن روابط دو کشور به صورت جدی و رسمی شکل گرفت. بی‌شک نخستین بهانه و دلیل نزدیکی پاکستان به چین، گزینه مشترک دشمنی با هند بود؛ این مسئله فرصتی را فراهم آورد که به واسطه آن پاکستان موفق شد نخستین قدم‌های استوار را در جهت برقراری روابط استراتژیک با چین بردارد؛ کما اینکه در این دوره وقوع نخستین درگیری نظامی (در ۱۹۶۲م) میان چین و هند در پی اختلاف مرزی دو کشور به وقوع پیوست. لذا دو کشور برای نزدیکی مواضع خویش به یکدیگر دلایل قابل قبولی داشتند، بخصوص اینکه سه سال بعد در سال ۱۹۶۵م، فروش سلاح به پاکستان از جانب آمریکا تحریم شد. فرصت موجود برای هر دو کشور غنیمتی بود که بتوانند مواضع خود را بیش از پیش تقویت نمایند؛ لذا در این شرایط پاکستان برای تقویت خود در برابر تهدید هند به سمت پیمان‌های نظامی هدفمند با چین قدم برداشت. غیرازاین، طی دو دهه (۷۰-۱۹۶۰م) مواضع مشترک دو کشور پاکستان و چین، علاوه بر شمنی با هند، شوروی را هم در برمی‌گرفت؛ ازاین‌رو به‌رغم بحران‌های منطقه‌ای و جهانی و تحولات مهم داخلی در هر دو کشور، مناسبات دوستانه حفظ و گسترش یافت. ازطرفی جنگ ۱۹۷۱م. میان هند و پاکستان و نزدیکی روابط آمریکا و چین از ۱۹۷۲م به بعد موجب تحکیم روابط دو کشور گردید؛ روندی که در آن زمان «دیپلماسی پینگ پونگ» نامیده شد. پس از آن نیز نه‌تنها در روند روبه رشد روابط دو کشور وقفه‌ای پیش نیامد، بلکه با شدت بیشتری گسترش یافت.

در شرایط کنونی، بازتعریف موقعیت استراتژیک چین به‌طور عمده متأثر از رشد اقتصادی روبه گسترش، سیاست خارجی این کشور را در حوزه‌های مختلف دچار تحول ساخته است؛ در همین راستا به نظر اولویت نخستین سیاست خارجی چین، اصالت بخشیدن به روابط منطقه‌ای پکن با محوریت همسایگان نزدیک، و سپس محیط پیرامونی و کروی باشد. درحقیقت نسل چهارم نخبگان چین به رهبری "هو جین تائو" به‌گونه‌ای حساب شده روابط سازنده با تمامی همسایگان را توسعه بخشید است. طبق راهبرد مزبور پاکستان در زمره همسایگان خاص چین است - به‌طوری که در تمامی زمینه‌ها (اقتصادی، سیاسی، امنیتی، نظامی و...) این کشور مهمترین شریک استراتژیک چین در سطح منطقه‌ای و حتی جهانی به حساب می‌آید. دراین راستا طرح توسعه گواد در مناسبات همسایگی چین و پاکستان از دو جهت قابل بحث و ارزیابی است؛ نخست درک عمق روابط چین و پاکستان و در درجه بعدی پی بردن به اهداف پنهان طرح توسعه بندر مزبور. پژوهش حاضر بر اساس ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی محسوب می‌شود. اطلاعات مورد نیاز به شیوه اسنادی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای نظیر کتب، مقالات و گزارش‌های معتبر گردآوری شده است.

۱. ادبیات تحقیق

در باب روابط چین و پاکستان مقالات متعددی نگاشته شده است. هرکدام از آنها به نحوی جنبه‌های متعدد (سیاسی، اقتصادی، امنیتی، نظامی و...) روابط دو کشور را بررسی کردند. اما از حیث نقش و جایگاه بندر گوادر در روابط راهبردی چین و پاکستان به‌طور اجمالی پژوهش‌چندانی صورت پذیرفته است. همان‌اندک گزارش‌ها و منابع (عمدتاً اینترنتی)، نیز آنگونه که باید نتوانسته نقش این بندر استراتژیک را در روابط چین و پاکستان به درستی شرح و بسط دهد. برخی از این منابع به شرح زیر است:

- مقاله «بین پیامدهای ژئوپلیتیکی سرمایه‌گذاری چین، در گوادر بر بندر چابهار»، به قلم عطاالله عبدی و ناصر رجب نژاد (۱۳۹۶). دراین مقاله نویسندگان ایجاد توسعه و امنیت منطقه واگرای قومی - مذهبی سین‌کیانگ از طریق سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی را یکی از اهداف طرح توسعه بندرگوادر می‌دانند. مقاله در ادامه به تأثیرگذاری و

تهدیدهای اقتصادی و ژئوپلیتیکی بندر گوارد بر بندر چابهار ایران می‌پردازد و معتقد است روند توسعه بندر گوادر بر انزوای ژئوپلیتیک ایران در منطقه تأثیرگذار است، به‌طوری که فرصت‌های اقتصادی و امنیتی را از بندر چابهار ایران خواهد گرفت.

- مقاله «بندر گوادر؛ کانال ورود چین به خلیج فارس» به قلم نوذر شفیعی و شهریار نصیری (۱۳۸۸). نویسندگان هدف از راهبرد توسعه بندر گوادر در مواردی همچون رقابت چین و آمریکا، و چین و پاکستان با هند می‌دانند. متمرکز اصلی مقاله بر اهداف ابرقدرتی چین در راستای موازنه قوی با آمریکا است. نویسندگان، بندر گوادر را کانال ورود چین به خلیج فارس می‌دانند که هدف اصلی، محدود کردن آمریکا در خلیج فارس عنوان شده است. به‌طورکلی، هدایت این مقاله بیشتر متمرکز بر خلیج فارس و اهداف چین در این منطقه ژئوپلیتیکی است که در راستای اهدافی چون تأمین امنیت، راهبرد انرژی، رهایی از تنگه مالاکا، اهداف کلان اقتصادی و... دنبال می‌شود.

- مصاحبه‌ی علمی به عنوان «پیامدهای حضور و نفوذ چین در بندر گوادر» توسط دکتر سجاد بهرامی‌مقدم، ۱۳ بهمن ۱۳۹۵ در مرکز بین‌المللی مطالعات صلح. ایشان معتقد است طرح توسعه بندر گوادر توسط چین دربرگیرنده اهداف متعدد ژئوپلیتیکی، اقتصادی و امنیتی است. دسترسی و توسعه گوادر در جهت به‌چالش کشیدن قدرت دریایی هند و همچنین دسترسی نیمه غربی چین به بندر گوادر در راستای رفع وابستگی این دولت به مسیرهای تجاری دریای جنوبی و تنگه مالاکا که قویاً تحت نفوذ ایالات متحده است، تمرکز عمده این مصاحبه علمی است. در ادامه وی معتقد است توسعه بندر گوادر در کوتاه مدت، تضعیف بندر چابهار را به همراه دارد.

- مقاله‌ای با عنوان «بندر گوادر پاکستان به عنوان یک پایگاه جدید دریایی در رشته مروریدهای چین در منطقه هند و پاسفیک» به قلم گورمیت کانوال (۲۰۱۸)، منتشر شده در مرکز استراتژیک و مطالعات بین‌الملل (CSIS). این مقاله بندر گوادر را کریدور بزرگ اقتصادی چین و پاکستان، در یک حلقه بزرگتری از ابتکار و طرح یک کمربند-یک جاده می‌داند. نویسنده با عطف به نظریه قدرت دریایی ماهان که تسلط بر اقیانوس

هند را کلید تسلط بر آسیا می‌داند، اهمیت این بندر را برای چین، در چارچوب استراتژی «رشته مرواریدها»، از حیث نظارت و کنترل بر اقیانوس هند تحلیل می‌نماید.

۲. چارچوب نظری

امنیت مفهومی پیچیده، چندسطحی و البته ابهام برانگیزی است، که به عنوان یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشری از دیرباز تا کنون توجه افراد، گروه‌ها، دولت‌ها، ملت‌ها، مؤسسات بین‌المللی و... را به خود معطوف ساخته است. اساساً امنیت از جمله واژگان مهمی به شمار می‌آید که به رغم کاربرد آن، محتوا و مدلول فلسفی - عینی آن مبهم و بسیار متنوع می‌باشد. تعبیر بوزان این است که مفهوم امنیت هنوز توسعه لازم را پیدا نکرده است تا بتوان یک مفهوم واحد خارجی برای آن قائل شد و تعریفی مشخص از آن ارائه داد. به همین دلیل گفته می‌شود که این واژه دارای یک مفهوم ذاتاً نسبی است. از این منظر باید آن را به صورت نسبی و در ارتباط با تهدیدات خاص و معینی تعریف کرد (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۲). در پارادایم جدید مقصود از امنیت، اغلب شکل فراگیر آن است؛ این امر تا حدودی به چندبعدی بودن ماهیت منازعه و تهدید در یک نظام بین‌المللی نامتجانس در سطح جهانی (دئورتی و فالتزگراف، ۱۳۹۰: ۸۴۶) مربوط می‌شود. در این برداشت، امنیت شامل طیف وسیعی از نگرانی‌های موجود است (Stone: 2009: 1). مکتب کپنهاگ که از آن به رهیافت فلسفی در امنیتی کردن تعبیر می‌شود (Balzacq, 2009: 9-11)، مبتنی بر دو رویکرد نظری واقع‌گرایی و سازه‌انگاری می‌باشد. اعتقاد به وجود دولت‌ها، اصالت بخشیدن به منافع ملی و محوریت مسأله امنیت در آثار مکتب کپنهاگ، مبانی واقع‌گرایانه این رویکرد نظری به شمار می‌روند و از طرفی این مکتب هماهنگ‌ترین تلاش را در جهت بسط نظریه یا چهارچوبی برای بررسی امنیت، مطابق سنت سازه‌انگاری تشکیل می‌دهد (امیراحمدیان و دولت‌آباد، ۱۳۹۵: ۱۲). از آنجا که مکتب کپنهاگ، طیف وسیعی از بازیگران و متغیرها را در تحلیل و تبیین پدیده‌ها به‌ویژه سیاست خارجی مورد توجه قرار می‌دهد، در نتیجه می‌تواند چهارچوب نظری جامعی را برای تبیین سیاست داخلی و خارجی کشورها و روابط خارجی آنها فراهم آورد (Behnke, 2006: 62-69). طبق نظریات بوزان و هانسن، در بیشتر مدت

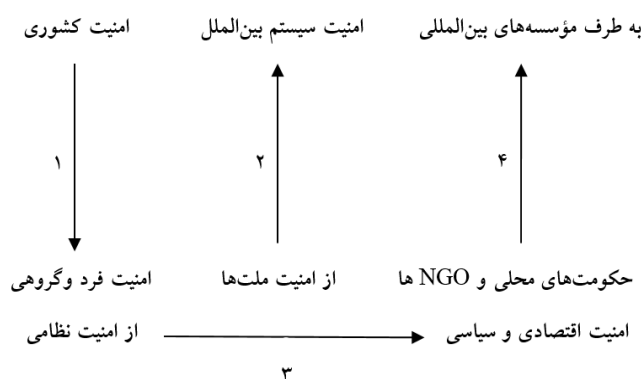
جنگ سرد مطالعات امنیتی بین‌المللی به واسطه یک برنامه عمدتاً نظامی تعریف می‌شد؛ اما از دهه ۱۹۷۰ به بعد و هم‌زمان با پیشرفت رقابت تسلیحاتی هسته‌ای، این واژه به واسطه استقرار امنیت اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و انسانی توسعه یافت (Buzan & Hansen, 2009: 2).

در یک دسته‌بندی کلی، بوزان امنیت اجتماعات انسانی را تحت تأثیر پنج عامل اصلی دسته‌بندی می‌کند (شیهان، ۱۳۸۸: ۶۷-۶۸):

۱. امنیت نظامی به اثر متقابل دو سطحی توانایی‌های تهاجمی و تدافعی کشورها و برداشت‌های آنان از نیت همدیگر مربوط می‌شود؛
۲. امنیت سیاسی درباره‌ی ثبات سازمانی دولت‌ها، نظام‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی است که به آنها مشروعیت می‌بخشند؛
۳. امنیت اقتصادی پیرامون دسترسی به منابع، سرمایه و پول و بازارهای لازم و ضروری برای حفظ سطوح قابل قبول رفاه و قدرت دولت است؛
۴. امنیت اجتماعی به پایداری و دوام الگوهای سستی زبان، فرهنگ و مذهب و هویت و عادات ملی تحت شرایط قابل قبول برای تکامل و تحول مربوط است؛ و
۵. امنیت زیست‌محیطی مربوط به حفظ و نگهداری زیست‌بوم محلی و جهانی به عنوان نظام حمایتی ضروری و حیاتی است که کلیه‌ی امور خطیر و فعالیت‌های مهم بشر به آن بستگی دارد.

اگرچه دستیابی به یک توافق جمعی در خصوص روش تعریف امنیت هنوز هم محقق نشده است؛ شکی وجود ندارد که مکتب کپنهاگ حوزه وسیع‌تری را برای مفهوم امنیت ارائه کرده و بنابراین دارای کاربرد بیشتری در سیستم جهانی است. لذا با توجه به آراء و نظریات مکتب کپنهاگ، درحالی‌که عوامل عینی و مادی در درک امنیت حائز اهمیت هستند، تحلیل دامنه وسیع‌تری از امنیت که شامل بخش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است، مهم تلقی می‌شوند. اجمالاً امروزه امنیت وجوه مختلف دارد و با طیف نیازهای انسان برابری می‌کند، نظیر امنیت غذایی، بهداشتی و درمانی، آموزشی و تربیتی، جنسی، تفریحی، رفاهی، روحی و روانی، جسمی، اقتصادی، شغلی، زیستگاهی، طبیعی و سرزمینی، فرهنگی، مذهبی و دینی، اخلاقی، حقوقی، فکری،

سیاسی، ارتباطی، حیثیتی، آبرویی و غیره. از این دریچه است که می‌توان امنیت را هم «حالت» و «شرایط» و هم «سازوکار» و تدابیر لازم دانست (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۲۵). درحقیقت، در عصر جدید امنیت تبدیل به یک کالای جهانی شده است که همه اعضای جامعه سعی می‌کنند آن را به دست بیاورند (عزتی، ۱۳۸۶: ۷۵). استفاده از رهیافت نظری مکتب کپنهاک در این پژوهش به این دلیل است که در طرح توسعه بندرگوادر توسط چین و پاکستان، مبتنی بر کارکرد زیربنایی امنیت، به شکل امنیت موسع است. مراد از امنیت موسع، نمود امنیت به‌اشکال گوناگون امنیت اقتصادی، امنیت نظامی - دفاعی، امنیت سیاسی، امنیت سرزمینی و... است.



شکل شماره ۱. مدل مفهومی امنیت در عصر پست‌مدرنیسم

منبع: (عزتی، ۱۳۸۶: ۸۶)

۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱. تبیین روابط چین و پاکستان

از ابتدای شکل‌گیری روابط چین با پاکستان (که رابطه‌ای سنتی و عمیقی است)، پاکستان توانسته است در برابر دشمنانی که با آنها مواجه بوده است از حمایت چین برخوردار باشد. چین هم تلاش کرده است تا از کشور پاکستان به عنوان منطقه نفوذ خود استفاده کند (فرزین‌نیا، ۱۳۹۰). شکل‌گیری روابط دو کشور چین و پاکستان به بیش از شش دهه

گذشته بازمی‌گردد. گستردگی روابط دو کشور در همه زمینه‌ها (سیاسی، اقتصادی، امنیتی - دفاعی و...) مثال‌زدنی است:

الف) سیاسی

در سیاست خارجی پاکستان فراز و فرودهای بسیاری به چشم می‌خورد، به گونه‌ای که عرصه دیپلماسی پاکستان یکی از پیچیده‌ترین عرصه‌های دیپلماسی جهان به شمار می‌رود. اختلاف دیرینه همراه با سه تقابل مستقیم نظامی با هند بر سر منطقه مورد اختلاف جامو و کشمیر، نفوذ سستی در صحنه تحولات افغانستان، حمایت مستقیم و غیرمستقیم از ده‌ها گروه مذهبی افراطی در سطح منطقه، اختلافات و همکاری‌ها با جمهوری اسلامی ایران، مشارکت راهبردی با ایالات متحده آمریکا و همسویی با کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس از جمله ویژگی‌های سیاست خارجی پاکستان به شمار می‌رود که زمینه را برای نقش آفرینی بازیگران مختلف فراهم ساخته (Ijaz Khan, 2007: 10).

با همه‌ی این احوالات، روابط سیاسی دیرینه و مستحکم پاکستان و چین که بر تمامی شئون روابط دو کشور تأثیر گذاشته، بی‌شک دشمن مشترکی به نام هند بوده است؛ به‌نحوی درگیری‌های مرزی هند با چین (۱۹۶۲) و همچنین اختلافات هند و پاکستان بر سر جامو و کشمیر عامل وحدت بخش میان پکن و اسلام‌آباد برای ایجاد (فرزین‌نیا و ایاز، ۱۳۹۵: ۴۵) یک رابطه پیچیده بوده است.

هم‌اکنون جلوگیری از قدرت‌یابی هند در آسیا و بخصوص جنوب آسیا، مناطق پیرامونی و عرصه‌های آبی، از اصلی‌ترین اهداف دو کشور برای مقابله و مهار هند است؛ این مسئله بر نوع گزینش و کم و کیف روابط هر دو کشور با ایالات متحده (به‌عنوان اصلی‌ترین متحد هند)، نیز اثرگذار بوده است، به‌طوری که در این فضا، هند توانست با نزدیکی بیشتر به آمریکا، دور شدن هرچه بیشتر پاکستان از آمریکا (اطاعت و احمدی، ۱۳۹۴: ۶) را رقم زند. پس از تیره شدن روابط آمریکا و پاکستان (بعد از ۱۱ سپتامبر)، پکن و اسلام‌آباد تلاش کرده‌اند روابط دو جانبه خود را در همه زمینه‌ها افزایش دهند، اما

باید گفت در ظاهر به بعد نظامی روابط توجه بیشتری شده است و رویه‌ای مقابله‌ای در برابر آمریکا از سوی هر دو کشور چین و پاکستان برگزیده شده است (فرزین نیا، ۱۳۹۰).

ب) نظامی

روابط نظامی که اکنون بین چین و پاکستان تقویت شده است به گذشته بر می‌گردد. چین در طی دهه‌های اخیر با کمک به پاکستان بویژه در حوزه نظامی و بخصوص در ساخت تسلیحات هسته‌ای نقش اصلی را در توانمندسازی پاکستان برای ایجاد بازدارندگی حداقلی در برابر هند، ایفا کرده است (طاعت و احمدی، ۱۳۹۴: ۷). به عنوان مثال در سال‌های ۲۰۰۴، ۲۰۱۰، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ میلادی، چین قول ساخت دو راکتور هسته‌ای، چشمه ۱ و ۲، دو راکتور چشمه ۳ و ۴، ساخت دو راکتور دیگر در کراچی و ساخت سه راکتور دیگر را در ژانویه ۲۰۱۴ متعهد شده است (Hrubos, 2014: 6). علاوه بر خرید و فروش‌های تسلیحاتی که بین دو کشور انجام گرفته، هر دو کشور به منظور افزایش همکاری نیروهای مسلح و برای به اشتراک گذاشتن تجارب و اطلاعات یکدیگر، تمرین‌های نظامی جامعی را برنامه‌ریزی و اجرا نموده‌اند. اولین رزمایش نظامی بین دو کشور در سال ۲۰۰۴ انجام گرفت و پاکستان نخستین ارتش خارجی بود که در خاک چین به تمرین نظامی پرداخت، که به مانور «دوستی» شهرت یافت. بعد از آن هم سه رزمایش نظامی بین دو کشور برگزار شد (فرزین نیا، ۱۳۹۱). همچنین دو کشور دو بار به ارائه مانور به عنوان مانور «شاهین» در سالهای ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳ پرداختند (Mushahid, 2013: 11). وزیر دفاع چین در فوریه سال ۲۰۱۴ در دیداری رسمی از پاکستان عنوان داشت که روابط استراتژیک دو کشور در بعد دفاعی و نظامی باید همچنان ادامه یابد.

چین در حال حاضر داری بزرگترین ارتش جهان از نظر کمی و دومین نیروی نظامی جهان (از لحاظ کیفی) پس از آمریکا است. در سال ۱۹۹۰ ارتش چین ۳۵۰۰۰۰ نفر بوده، پیشبینی می‌شود تا ۲۰۲۵ ارتش این کشور به ۲۹۶۱۰۰۰ نفر برسد (World Data Bank, 2014). این کشور در سال ۲۰۰۵ پس از آمریکا دومین بودجه بزرگ نظامی جهان بوده است. بودجه نظامی چین، به دنبال رشدی فزاینده از ۱۴/۴ میلیارد دلار در

سال ۲۰۰۰ به ۱۴۴/۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ رسیده است (Muzalevsky, 2015: 27-31). آمارها مؤسسه بین‌المللی تحقیقات صلح (در آوریل ۲۰۱۹) نشان می‌دهد چین با ۵ درصد افزایش، هزینه‌های نظامی خود را ۲۵۰ میلیارد دلار رسانده است. این میزان برای پاکستان با افزایش ۱۱ درصدی به ۱۱/۴ میلیارد دلار رسیده است. در این رده‌بندی به لحاظ هزینه‌های نظامی چین، هند و پاکستان به ترتیب در رده‌های دوم، نهم و نوزدهم قرار دارند (SIPRI, 2019: 3-4). پیشبینی شده است این میزان هزینه نظامی چین تا سال ۲۰۲۵ به ۳۷۷/۲۱۶ میلیارد دلار برسد (SIPRI Military Expenditure Database, 2014). طبیعی است که پاکستان نیازمندی‌های نظامی خود را در سایه اقتدار نظامی چین رفع نماید.

طی این سالها، پاکستان توانسته به کمک چین تا حدودی ارتش و تجهیزات نظامی خود را مدرن نماید و به خوبی توازن لازم مقابل هند را برقرار سازد. پاکستان با وجود ضعف و فقدان عمق استراتژیک مناسب در سال ۲۰۰۷-۲۰۱۱، سومین کشور وارد کننده تسلیحات متعارف در جهان بوده است. در سال ۲۰۱۲ پاکستان در پی ارتقاء موقعیت خود، با ۱۲ درصد سهم جهانی، به طور مشترک با هند رتبه اول وارد کنندگی تسلیحات متعارف در جهان را کسب کرد. همچنین در ۲۰۱۳، از لحاظ نظامی پاکستان در رتبه هفتم جهان (پس از هند) قرار گرفت (SIPRI Yearbook, 2013:12-13). در همین راستا هر دو کشور انواع جدیدی از موشک‌های کروز و بالستیک با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای را در دستور کار خود قرار دادند.

ج) اقتصادی

توسعه روابط تجاری پکن و اسلام‌آباد طی یکی دو دهه گذشته موجب شده دو کشور همکاری قابل توجهی را در طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک آغاز کنند. این همکاری عمدتاً از سوی چینی‌ها در پاکستان در حال انجام است (عبدی و رجب‌نژاد، ۱۳۹۶: ۱۹۴). به‌طور کلی روابط چین و پاکستان در همه زمینه‌ها مستحکم است. ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای و گازی، مراکز تحقیقاتی و آزمایشگاهی، ایجاد بزرگراه، تأمین لوکوموتیو، راه‌آهن (Malik, 2012: 79) و همکاری‌های پیچیده نظامی و سیاسی بیانگر

روابط گسترده و پیچیده میان چین و پاکستان است. در واقع روابط دو کشور در هر دوره شکل جدیدی به خود گرفته است. بعد از ۲۰۰۴ روابط چین و پاکستان بیشتر وجه اقتصادی داشته است (فرزین‌نیا و ایاز، ۱۳۹۵: ۵۱). در سال ۲۰۰۵ و در پی دیدار نخست وزیر چین از اسلام‌آباد، پیمان همکاری‌های دوجانبه بین دو کشور امضا شد که عنوان دوستی همه‌جانبه^۱ بین دو کشور مطرح شد (Shah and Choudhry, 2013: 6). این روابط و همکاری‌های اقتصادی با عنوان «توافقیانه تجارت آزاد» در سال ۲۰۰۷ گسترش قابل توجهی یافته است. طرح دیگری در همین سال به عنوان «کریدور انرژی و تجارت» تصویب شد (Garver, 2014: 404).

روابط اقتصادی چین و پاکستان در هر دوره‌ای از رشد قابل توجهی برخوردار بوده است، به طوری که از میزان یک میلیارد دلار در سال ۱۹۹۸ به ۱۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ رسید است (Ramay, 2015: 4). همچنین در سال ۲۰۱۴ دولت چین با ۲۰۰ میلیون دلار هزینه در ایجاد و تجهیز سیستم راه‌آهن پاکستان، تأمین لوکوموتیو مورد نیاز راه‌آهن این کشور و اتصال راه‌آهن پاکستان به چین موافقت کرده است. علاوه بر این پکن ۱۰۰ میلیون دلار نیز برای تجهیز سیستم ارتباطات پاکستان و ۱۰۰ میلیون دلار برای توسعه خطوط لوله نفت این کشور در نظر گرفته است. طرح اقتصادی دیگری که از سوی چینی‌ها و پاکستانی‌ها به طور مشترک در حال اجرا است، ایجاد بزرگراه ۱۳۰۰ کیلومتری قره قروم می‌باشد (اطاعت و احمدی، ۱۳۹۴: ۷). همچنین در آوریل ۲۰۱۵، بانک خلق چین اعلام کرد- اولین سرمایه‌گذاری این صندوق با هزینه ۱/۱۶۵ میلیارد دلاری برای ساخت یک سد برق آبی بین رودخانه جلوم^۲ در شمال پاکستان خواهد بود (امیراحمدیان و صالحی دولت‌آباد، ۱۳۹۵: ۲۵). در نوامبر ۲۰۱۶ با ارسال نخستین محموله به غرب آسیا و آفریقا از طریق بندر گوادر، راه‌اندازی «کریدور اقتصادی چین - پاکستان»^۳ رسماً عملیاتی شد. طرح مزبور، بزرگ‌ترین طرح همکاری اقتصادی میان پاکستان و چین محسوب می‌شود که شامل مجموعه‌ای از پروژه‌های زیرساختی، عمرانی، کشاورزی، صنعتی و... است که هم‌اکنون در پاکستان در حال احداث‌اند. ارزش

1. A Weather Friendship

2. Jhelum

3. China-Pakistan Economic Corridor (CPEC)

اقتصادی آن در ابتدا ۴۶ میلیارد دلار آمریکا برآورد شد (Boni, 2016: 497)، اما در سال ۲۰۱۷ این رقم به ۵۴ میلیارد دلار (برخی منابع ارزش اقتصادی این طرح را تا ۶۲ میلیارد دلار هم ذکر کردند) رسیده است. این طرح اقتصادی قرار است با احداث شبکه‌های حمل‌ونقلی مدرن، تولید نیروگاه‌های انرژی، و ایجاد مناطق ویژه زیرساخت‌های کشور پاکستان را به سرعت مدرن کند و اقتصاد آن کشور را قوت ببخشد (Hassan, 2018: 5). با توجه به گسترش روابط دو کشور در این سالها، پاکستان به دومین شریک بزرگ تجاری چین در جنوب آسیا، و چین به دومین شریک بزرگ تجاری پاکستان و دومین منبع واردات و صادرات بازرگانی این کشور تبدیل شده است (Hamid and Hameed, 2016: 2).

۲-۳. بندر گوادر نماد همکاری‌های چندسطحی چین - پاکستان

بندر گوادر در منتهی‌الیه جنوب غربی بلوچستان و در ساحل خلیج گوادر در دریای عمان قرار گرفته است. فاصله این بندر تا کراچی مرکز ایالت سند ۸۰۰ کیلومتر می‌باشد. به دلیل شرایط خاص آب و هوایی منطقه که گرم و بیابانی است و فاصله زیاد آن با مراکز سیاسی، اقتصادی و جمعیتی پاکستان و همچنین محدود شدن کلیه فعالیت‌های اقتصادی و تجاری پاکستان به بندر بزرگ و استراتژیک کراچی، توسعه بندر گوادر در گذشته مورد بی‌توجهی مقامات پاکستانی قرار گرفته بود؛ از ۱۹۹۵ توسعه این بندر به دلیل برخورداری از سواحل عمیق مورد توجه قرار گرفت، ولی به دلیل فقدان منابع مالی تا سال ۱۹۹۹ این مسأله به تعویق افتاد، تا اینکه از سال ۲۰۰۰ توسعه گوادر مجدداً مورد توجه جدی دولت پاکستان قرار گرفت. در فوریه ۲۰۰۲، توافقنامه نهایی مشارکت و سرمایه‌گذاری چین در توسعه و تجهیز این بندر در جریان سفر یک گروه چینی متشکل از وزیر ارتباطات و مدیرعامل بنادر و کشتیرانی چین به پاکستان به امضای طرفین رسید. فاز اول ساخت گوادر در سال ۲۰۰۵ تکمیل شد (Ullah and et.al, 2013: 1). فاز دوم توسعه و ساخت بندر کماکان ادامه دارد. به دنبال سفر شی جین پینگ رئیس‌جمهور چین به پاکستان (در سال ۲۰۱۵)، مدیریت ۴۰ ساله این بندر (عبدی و رجب-نژاد، ۱۳۹۶: ۱۹۶) رسماً به چین واگذار شد.



شکل شماره ۲. موقعیت استراتژیک بندر گوادر

(http://www.tamilnet.com = img/publish/2012/02/Balochistan_map_1)

بندر گوادر هم‌اکنون نماد همکاری چینی- پاکستانی است. ساخت این بندر برای هر کدام از دو کشور از مزایای ملی، منطقه‌ای و حتی جهانی برخوردار است. مطابق جداول (۲ و ۱)، هر کدام از دو کشور در طرح توسعه بندر گوادر دارای اهدافی اند- که به آنها اشاره می‌شود:

جدول شماره ۱. اهداف پاکستان از طرح توسعه بندر گوادر

۱	خارج کردن فعالیت‌های اقتصادی و تجاری پاکستان از انحصار بندر کراچی؛
۲	امنیت بخشی (سیاسی و اقتصادی) به ایالت و اگرای بلوچستان از طریق طرح‌های توسعه‌ای؛
۳	دسترسی به افغانستان و آسیای مرکزی با اهداف چندگانه امنیتی، اقتصادی، سیاسی، ترانزیتی و...؛
۴	گسترش روابط تجاری و اقتصادی با ایران از طریق بندر چابهار؛
۵	تقویت و تجهیز نیروی دریایی پاکستان در جهت مقابله با تهدیدهای احتمالی هند؛
۶	گسترش و تقویت روابط نظامی با چین؛

۷	ارتباط و حضور در منطقه خلیج فارس و ایجاد نقش فعال در بازارهای نفت؛
۸	فراهم‌آوری زمینه‌های ارتباطی با اروپا در صورت راه‌اندازی کریدور شمال-جنوب در ایران؛
۹	دسترسی به چین از طریق احداث بزرگراه قره‌قروم در منطقه کشمیر؛
۱۰	توسعه بزرگراه ساحلی مکران به طول ۸۰۰ کیلومتر که بندر گوادر را به کراچی وصل می‌نماید؛
۱۱	فراهم‌آوری ساخت بزرگترین فرودگاه بین‌المللی پاکستان به واسطه طرح توسعه این بندر؛
۱۲	فراهم‌آوری زمینه‌های توسعه و پیشرفت بنادر، حمل‌ونقل، زیرساخت‌ها و کلاً صنایع دریایی؛

جدول شماره ۲. اهداف چین از طرح توسعه بندر گوادر

۱	حضور در مناطق و مکان‌های استراتژیک در چارچوب قدرت درحال ظهور در رقابت جهانی با آمریکا و رقابت منطقه‌ای با هند و سایر رقبا؛
۲	نقش بندر گوادر در «دالان اقتصادی چین-پاکستان» و ابرپروژه «یک کمربند-یک راه»، جهت دور زدن مسیر طولانی، غیراقتصادی و ناامن تنگه و آبهای مالاکای مالزی که تحت تسلط آمریکا هم هست؛
۳	بهره‌برداری نظامی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی و ... به واسطه نزدیکی به حضور آمریکا در خلیج فارس و سایر مناطق کانونی و پیرامونی چون دریای چین جنوبی، شبه قاره و...؛
۴	ایجاد مرکز تجاری-اقتصادی و تسلط بر دریای عمان و بخشی از اقیانوس هند؛
۵	دسترسی، تسلط و توسعه مناطق غربی و مرکزگرای قومی-مذهبی (ایالت مسلمان نشین سین کیانگ) از طریق اتصال به بازارهای جهانی؛
۶	محاصره دریایی هند از طریق همسایگان. طرح موسوم به زنجیره مرواریدها؛
۷	ایجاد پایانه‌های نفتی و انرژی به منظور دسترسی آسان‌تر به منابع انرژی دریای عمان و سرتاسر غرب آسیا؛
۸	تسهیل در دسترسی به پاکستان از طریق احداث بزرگراه ۱۳۰۰ کیلومتری قره‌قروم که کاشغر را به اسلام‌آباد متصل می‌نماید؛
۹	ایجاد همگرایی منطقه‌ای از طریق اتصال همسایگان غربی به مناطقی که تا اروپا امتداد دارد؛
۱۰	قرار گرفتن این طرح ذیل راهبرد کلان جاده ابریشم برای دسترسی بهتر و آسانتر به مناطق هدف؛

منبع: (نگارندگان)

۳-۳. الزامات امنیتی طرح توسعه بندر گوادر

۳-۳-۱. موازنه تمام قد در برابر هند

جنوب آسیا صحنه درگیری‌های پیوسته و ادامه‌دار دو کشور هند و پاکستان از تاریخ استقلال پاکستان (۱۹۴۷م) از هند، تا کنون است. برخی معتقدند کمک چین به پاکستان در ساخت بندر گوادر بخشی از «طرح شیطانی چین» در مقابله با افزایش و قدرت نفوذ هند در امور جهان در نظر گرفته شد (فرزین‌نیا، ۱۳۸۸: ۳۲).

به‌طور سنتی زنجیره‌ای از رقابت بین هند و چین وجود داشته، که پاکستان ابزار سیاست خارجی چین برای مهار و مدیریت رقابت با هند بوده است. اغراق نیست چنانچه ادعا شود، روابط استراتژیک دو کشور چین و پاکستان بر مبنای مناسبات ژئواستراتژیک ناشی از تهدید مشترک هند شکل گرفته است. به‌همین دلیل است که برخی روابط اسلام‌آباد-پکن را در چارچوب موازنه تهدید تحلیل می‌کنند و معتقدند که احساس تهدید از سمت هند و همچنین دو قدرت آمریکا و روسیه، عاملی بود که باعث تقویت هرچه بیشتر روابط چین و پاکستان شده است (khan Afridi, 2015: 117). عمق این رقابت و احساس تهدید تا جایی است که چین یک پاکستان قدرتمند و مجهز به سلاح‌های اتمی را برای حفظ توازن قدرت در برابر هند و سایر رقبا، برای تغییر معادلات امنیتی منطقه به سود خویش حیاتی می‌داند (محروق، ۱۳۹۵: ۲۶). در این راستا اقدامات چین در جهت افزایش نفوذ خود در نپال، بنگلادش و میانمار، ادعاهای ارضی خود در مورد بخش‌هایی از هند مانند آروناچال پرادش، عدم حمایت از هند در عضویت شورای سازمان ملل و دیگر سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی همگی بر تلاش چین در راستای جلوگیری از افزایش توان هند به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای و جهانی دلالت دارد (فرزین‌نیا، ۱۳۸۸: ۳۶).

برخی از تحلیل‌گران غربی پاکستان را به عنوان شریک اصلی چین، بخشی از استراتژی «گردنبند مرواریدها» به شمار می‌آورند. استراتژی مزبور شامل ایجاد یک سری از بنادر در کشورهای دوست واقع در ساحل شمالی اقیانوس هند می‌باشد که از طریق آن چین مصمم است با استفاده ایجاد پایگاه‌هایی، قدرت و نفوذش را در اقیانوس هند

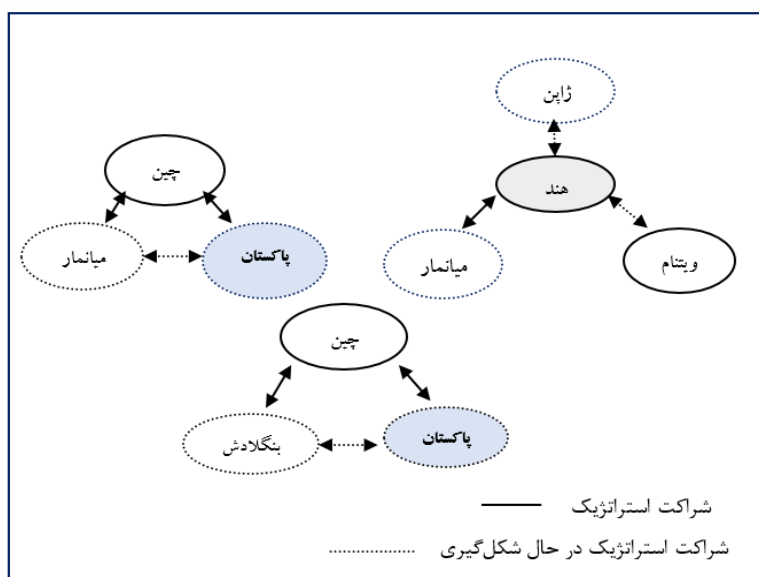
گسترش دهد. بندر گوادر سنگ بنای اصلی این استراتژی بلند مدت (محروق، ۱۳۹۵: ۲۸) در نظر گرفته شده است.

در راستای استراتژی «گردنبند مرواریدها»، چین قصد دارد- علاوه بر بندر گوادر، در سایر مرواریدها که شامل: تأسیسات دریایی در بنگلادش، میانمار، تایلند، کامبوج و دریای چین جنوبی می‌شوند، نیز حضور فعال داشته باشد. تلاش برای ساخت بنادر در بنگلادش، ساخت یک پایگاه دریایی در میانمار و کمک به این کشور در مدرنیزه کردن پایگاه‌های دریایی‌اش در هنگی، آکیاب^۲ و مرگویی^۳ ساخت بندری نزدیک به یانگون و بندری دیگر در غرب میانمار در کئائوک پیوک^۴ بخشی از تلاش‌های چین در میانمار است. همچنین ایجاد و ساخت تأسیسات الکترونیکی به منظور جمع‌آوری اطلاعات در خلیج بنگال و نزدیکی به تنگه مالاکا در راستای استراتژی مزبور است. چین همچنین به آرامی در حال استقرار پایگاه‌های نظامی در جزایر کوکو^۵ در نزدیکی هند است؛ میانمار با کمک چین استحکامات جنگی در این جزایر ساخته است تا از این طریق فعالیت‌های نظامی هند را در جزایر آندومان و نیکوبار و فعالیت‌های آزمایشی موشک‌های هند در «چندی پور»^۶ در ایالت «اوریسا»^۷ را زیر نظر بگیرد (شفیعی و فرجی نصیر، ۱۳۸۸: ۱۴۷). نتیجه این تلاش‌ها، شکل‌گیری دو مثلث استراتژیک (مدل شماره-۱) خواهد بود. این دو شامل مثلث (چین- پاکستان- بنگلادش) و مثلث (چین- پاکستان- میانمار) خواهد بود. به طور کلی روابط دو کشور چین و پاکستان، در سال‌های اخیر فزونی بیشتری یافته است، به ویژه به دنبال حضور آمریکا در منطقه و برقراری ارتباطات گسترده با هند که رقیب دو کشور چین و پاکستان محسوب می‌شود. به همین دلیل چین و پاکستان تلاش می‌کنند با تعمیق روابط دو جانبه خود، بلوکی قدرتمند در مقابل اتحاد آمریکا و هند ایجاد نمایند (کتابی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹)؛ تا جایی که- هند با گرایش به سمت آمریکا و پاکستان با چرخش به سمت چین، فضایی دو قطبی در جنوب آسیا شکل داده‌اند که

1. Hanggyi
2. Akyab
3. mergu
4. Kyaukpyu
5. Co Co
6. Chandipore
7. Orissa

سایر کشورهای این منطقه نیز در حال سازماندهی حول این دو محور محور هستند. به تلافی اقدامات چین، هند نیز در سال‌های اخیر با تغییر محسوسی در سیاست خارجی خود نسبت به میانمار روابط نزدیکی با این کشور پی‌ریزی کرده و درصدد است با ایجاد روابط استراتژیک با رانگون، اقدام به ایجاد یک موازنه عملی در برابر پکن نماید و در صورت امکان در سطحی فراتر، میانمار را از صف متحدان چین خارج کرده و مانع از شکل‌گیری مثلث استراتژیک (چین - پاکستان - میانمار) شود. البته هند جهت برقراری موازنه مطلوب در مقابل چین، نیاز به این دارد که با ژاپن، ویتنام و اعضای آسه‌آن که با چین بر سر دریای چین جنوبی اختلاف دارند، پیوندهای محکمی برقرار کند (شریعتی‌نیا، ۱۳۸۷: ۴۰۵). توافق با امارات به منظور برگزاری مانورهای مشترک، مذاکره با جیبوتی به منظور تأسیس پایگاه‌های جدید در خاک آن کشور، ایجاد مذاکره و توافق‌هایی با کشور فرانسه (مارس ۲۰۱۸)، جدیدترین واکنش‌های هند در برابر توسعه طلبی دریایی چین است (Kanwal, 2018: 5).

مدل شماره ۱. ترتیبات سیاسی - امنیتی جنوب آسیا



منبع: (نویسندگان. به اقتباس از شفیعی و فرجی‌نصیر، ۱۳۹۳: ۲۰)

۳-۲-۳. موازنه سیاسی، امنیتی - دفاعی در برابر ایالات متحده

در نظام بین‌الملل پساجنگ سرد نقش یکجانبه آمریکا به چالش کشیده شده است. لذا در کنار بازیگری آمریکا، بازیگران قدرتمند دیگری چون چین، اتحادیه اروپا، ژاپن، روسیه و هند به‌عنوان بلوک‌های تجاری، اقتصادی، امنیتی، سیاسی و ... پدیدار شده است. ظهور چین به عنوان یک قدرت جهانی، پیامدهای عمده‌ای برای مناطق نیمه‌پیرامونی و پیرامونی در جهان خواهد داشت. در چنین شرایطی الگوی حاکم بر روابط آمریکا و چین در قالب مدل همکاری اقتصادی و رقابت استراتژیک در دو سطح اقتصادی و سیاسی - امنیتی، به دو شکل همکاری و رقابت توأم است. روابط رقابتی ایالات متحده و چین به وسیله مجموعه وسیعی از رقابت‌های اقتصادی و تجاری در سرتاسر دنیا گرفته تا درگیری در بحران‌ها (تایوان، فیلیپین، ویتنام، کره و...)، جاسوسی‌های سایبری، مسائل حقوق بشری و غیره، روبه گسترش است.

در رابطه با آمریکا، اهداف چین در طرح توسعه بندر گوادر در سطح راهبردی قابل تبیین است. در درجه نخست، از اصلی‌ترین دغدغه‌های آمریکا، صیانت از قدرت دریایی بی‌رقیب این کشور است. در این چارچوب، امنیت خلیج فارس برای آمریکا، به‌عنوان بزرگترین مصرف‌کننده انرژی در جهان کماکان حیاتی است. از طرفی چین به عنوان دومین مصرف‌کننده بزرگ انرژی از مدت‌ها پیش به دنبال توسعه مرزهای دریایی خود بوده است. بندر گوادر، کانال کوتاه، مقرون به صرفه و میانبر، چین به خلیج فارس اقیانوس هند است. در حال حاضر حدود ۶۰ درصد از نفت چین با کشتی از خلیج فارس به تنها بندر تجاری در این کشور، یعنی بندر شانگهای با فاصله بیش از ۱۶ هزار کیلومتر منتقل می‌شود که استفاده از پتانسیل بندر گوادر پاکستان می‌تواند این حمل و نقل را بین ۱ تا ۲ ماه کوتاه‌تر کند و علاوه بر این، کشتی‌های تجاری و نفتی را از خطر دزدان دریایی نیز در امان نگه دارد (Alikhan, 2013: 129).

حضور در بندر گوادر امکان ایجاد یک مسیر جایگزین را برای چین فراهم می‌سازد تا در صورت بسته شدن تنگه مالاکا، این کشور بتواند انرژی مورد نیاز ایالات غربی خود را از طریق این مسیر جایگزین فراهم سازد. چین امیدوار است با حضور نظامی در پاکستان و بندر گوادر بتواند امنیت خطوط انتقال انرژی دریایی‌اش را تأمین کند و از

طرف دیگر موازنه استراتژیک در آسیای جنوبی را به نفع متحد قدیمی اش پاکستان رقم بزند و همچنین با روابط نزدیک با این کشور به یک موازنه قوا در مقابل آمریکا و هند دست یافته و به رقابت با این دو کشور در خلیج فارس بپردازد. اجمالاً این یک مکانیسم مکمل برای تضمین تأمین انرژی برای اقتصاد چین، کاهش آسیب‌پذیری کشور، عمدتاً در مقابل ایالات متحده و در نهایت حفظ حاکمیت ملی این کشور است (شفیعی و فرجی‌نصیر، ۱۳۸۸: ۱۵۶).

غیرازاین در درجه بعدی امروزه یکی از نگرانی‌های اصلی چین حضور گسترده آمریکا در قلمرو و محدوده‌های دریایی چین است. ایالات متحده حضور نظامی گسترده و عملیات و مانورهای نظامی خود را در دریای جنوبی چین از مارس ۲۰۱۵ شروع کرده است. این مسئله با واکنش شدید مقامات چینی را به همراه داشته است (The Diplomat, 2016). آمریکا همچنین علاوه بر اعلام سیاست خود مبنی بر تجدید موازنه^۱ در منطقه آسیا - پاسیفیک که شامل برنامه‌هایی برای افزایش تعداد ناوهای جنگی ایالات متحده در این منطقه از ۵۰ درصد به ۶۰ درصد می‌شود، همکاری نظامی با هر دو کشور فیلیپین و ویتنام را افزایش داده و تعهدات نظامی خود با همسایگان چین را تقویت کرده است (Ring, 2012: 28). همچنین تقویت اتحادها و گسترش همکاری‌های استراتژیک آمریکا با کشورهای منطقه از جمله ژاپن، استرالیا، کره جنوبی، تایلند، تایوان، سنگاپور، نیوزلند، هند و اندونزی به عنوان شرکای راهبردی آمریکا در منطقه بدین منظور مورد توجه قرار گرفته است (مسرور و خانی، ۱۳۹۷: ۱۸۶).

به واسطه چنین تهدیداتی، چین نوسازی ارتش^۲ و ناوگان دریایی اش را در دستور کار قرار داده است. دستورالعمل استراتژی نظامی چین به عنوان «مأموریت‌های جدید تاریخی» ارتش خلق چین نام برده می‌شود. در این دستورالعمل، حضور گسترده و مشارکت فعال نیروی دریایی چین در مناطق مهم و بحرانی دنیا، افزایش همکاری‌های بین‌المللی با قدرت‌های نظامی جهان، تثبیت تمامیت ارضی در مناطق مورد مناقشه، فرمول‌بندی و مفهوم‌سازی عملیات نظامی غیر از جنگ صورت‌بندی شده است

1. Rebalancing
2. Central Asia Countries (CARS)

(محروق، ۱۳۹۵: ۲۷). در این چارچوب، ساخت و تجهیز بندر گوادر در چارچوب برخی بهره‌برداری‌های نظامی برای چین و پاکستان، در چارچوب تهدیدهای نظامی احتمالی از جانب هند و ایالات متحده است. درحقیقت گوادر یک اهرم استراتژیک در اختیار چین است (شفیعی و فرجی‌نصیر، ۱۳۸۸: ۱۴۲) که در شرایط حساس درگیری می‌تواند از آن علیه رقبا استفاده کند. بندر گوادر به چین امکان می‌دهد که آمد و شد و فعالیت ناوهای آمریکایی و هند را در دریای عمان و آبهای اطراف آن تحت نظر داشته باشد. همچنین گوادر به واسطه اشراف به تنگه هرمز، می‌تواند در صورت وقوع درگیری و جنگ دریایی با آمریکا یا هند مورد استفاده قرار بگیرد (Jaffrelot, 2011).

۳-۳-۳. گزینه بندر چابهار ایران؛ رهیافت دوگانه رقابت و همکاری

بندر گوادر و چابهار علاوه بر داشتن اهمیت تجاری، به علت اهمیت ژئوپلیتیکی شان می‌توانند موازنه استراتژیک در منطقه را بهم زنند. کنش‌های این دو بندر بر یکدیگر دوگانه‌ای از فرصت و تهدید و تعامل و رقابت است. باین‌حال، نخستین آثار این دو بندر بر یکدیگر شکل‌گیری یک رقابت ژئوپلیتیک است که سطح بازیگری را فراتر از ایران و پاکستان افزایش می‌دهد و در برگیرنده سه قدرت ایالات متحده، چین و هند است. در این رقابت ژئوپلیتیک، چین بازیگر همسو با پاکستان و ایران بازیگر همسو با هند می‌باشد. گزینه بعدی ایالات متحده آمریکا است، که علی‌رغم سطح پیشرفته‌ای از تنش با ایران، کاملاً موافق با توسعه چابهار است. اهمیت چابهار برای ایالات متحده از چندین جهت قابل ارزیابی است؛ نخست تقویت هند در برابر قلمروگستری دریایی چین در منطقه اقیانوس هند. در درجه بعدی تضعیف و ممانعت از نقش بندر گوادر در دسترسی چین و پاکستان به آسیای مرکزی و افغانستان. ضمن اینکه توسعه بندر چابهار، فرصتی را برای خروج کشور فقیر افغانستان از بمبست خشکی و داد و ستد با هند را فراهم می‌آورد که مبتنی بر خواست آمریکا نیز هست؛ چنانچه «آلیس ویلز»، معاون وزیر خارجه آمریکا در امور جنوب آسیا اصلی‌ترین دلیل معافیت چابهار از تحریم‌های آمریکا را حمایت از روند رشد افغانستان و پایان وابستگی این کشور به بندر کراچی خواند (Business Today, April 24, 2019).

ازسویی محافل دفاعی هند بندر چابهار را یک بندر استراتژیک برای این کشور می‌دانند و به عقیده آنان استفاده از این بندر برای تحقق برخی از اهداف امنیتی کشورشان حیاتی است. توجه هند به بندر چابهار ایران در راستای تفکر یک قدرت درحال ظهور است. هند با آگاهی از تنگناهای ژئوپلیتیکی خود (در ورود به افغانستان، آسیای میانه و کشورهای حوزه خزر)، از بندر چابهار (به مثابه ژئوپلیتیک دسترسی) در موازنه قدرتی خود با چین و پاکستان بهره‌برداری می‌کند (محمدی و احمدی، ۱۳۹۷: ۴۷). علاوه بر این، مشارکت استراتژیک هند در چابهار اجازه می‌دهد که این کشور بر فعالیت‌های چین در بندر گوادر که تنها دارای فاصله ۷۲ کیلومتر است، را زیر نظر قرار بگیرد (Ramachandran, January 14, 2019). همچنین، توسعه چابهار اجرای طرح «کریدور شمال- جنوب» را نیز تسریع خواهد کرد. کریدور مزبور کشورهای شمال اروپا و روسیه را از طریق دریای خزر و ایران به کشورهای حوزه اقیانوی هند، جنوب خلیج فارس و جنوب آسیا متصل می‌کند.

به نظر پاکستان توسعه بندر چابهار را تهدیدی برای امنیت و پروژه‌ای برای رقابت با گوادر می‌داند، کما اینکه متعاقب موافقت نامه سه‌جانبه ایران و هند و افغانستان، مقام‌های سیاسی پاکستان در ظاهر مخالفت آنچنانی با آن نشان ندادند. ازسویی در نگاه ایران، توسعه و تجهیز بندر گوادر، بندر و منطقه آزاد چابهار را در معرض رقابتی سخت در زمینه ترانزیت کالا به کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان و همچنین مرکزیت تجاری و اقتصادی در دریای عمان قرار می‌دهد.

در پایان، ازجمله آثار مثبت دو بندر بر یکدیگر می‌توان گفت به حیث نزدیکی دو بندر به یکدیگر، در درجه آنها قادرند نقش مکملی را ایفا نمایند. علاوه بر این بنادر چابهار و گوادر هر دو در یک منطقه توسعه نیافته (بلوچستان) حضور دارند. چنانچه مناطق دو بلوچستان توسعه یابد، می‌تواند منجر به یک توسعه متوازن منطقه‌ای باشد. همچنین، به‌طور با اهمیتی چین دراستای هم‌افزایی دو بندر گوادر و چابهار متمایل به ورود به طرح توسعه چابهار است (Ramachandran, January 14, 2019). به‌طور کلی، فراهم‌آوری و هم‌افزایی توسعه روابط اقتصادی، سیاسی و امنیتی دو کشور همسایه، فاصله کم چابهار با گوادر (نسبت به بنادر ایرانی کیش و قشم) و... از جمله

آثار مثبت دو بندر بر یکدیگر است. به نظر می‌رسد رقابت دو بندر از نوع ترانزیتی است و گواہ برای پاکستان با اهداف مشخصی ناشی از نگرانی‌های امنیتی احداث شده است که لزوماً رقابت با ایران هدف اصلی آن نیست.

۳-۴. خنثی‌سازی تهدیدهای داخلی

۳-۴-۱. ایالت قومی - مذهبی ترکستان شرقی

چین با مثلث تهدید تروریسم، جدایی‌طلبی و افراطی‌گری در منطقه سین‌کیانگ مواجه است. از طرفی، ترکستان شرقی نسبت به مناطق شرقی، جنوبی و مرکزی چین در طول دو دهه گذشته از سرعت رشد پایین‌تری برخوردار بوده است، در حالی که این منطقه دارای منابع عظیم نفت و گاز است که به آن نقش استراتژیک بخشیده است. علاوه بر این، ترکستان شرقی به دلیل همسایگی با کشورهای آسیای مرکزی، افغانستان و پاکستان اهمیت ژئوپلیتیکی خاصی دارد (اطاعت و احمدی، ۱۳۹۴: ۷). مثلث تهدید امنیت ملی چین را به ژئوپلیتیک امنیت منطقه جنوب آسیا گره زده است. سیاست‌مداران چینی بر این باورند که بین گروه‌های جهادی آسیای جنوبی و جنبش‌های ترکستان شرقی پیوند محکمی وجود دارد. چین به دلیل ارتباط پاکستان با طالبان (و ارتباط طالبان با مسلمانان ایالت سین‌کیانگ)، این کشور را عامل مهمی در ثبات جنوب آسیا و همچنین امنیت استان سین‌کیانگ می‌داند (فرزین‌نیا و ایاز، ۱۳۹۵: ۵۶)؛ به همین خاطر - نگرانی چین از سین‌کیانگ و فعالیت‌های اقتصادی مستقر در این منطقه به دلیل بی‌ثباتی سیاسی و چالش‌های امنیتی از جمله حفظ امنیت پرسنل و نهادهای چینی در پاکستان، چین را به سمت همکاری عملی با ارتش پاکستان جهت مبارزه با رادیکالیسم اسلامی، برگزاری رزمایش‌های نظامی و تبادل اطلاعات و مکانیسم‌های همکاری سوق داده است.

مقابله با توسعه نامتوازن مناطق داخلی، بخصوص توسعه اقتصادی، ایجاد ثبات و امنیت در مناطق غربی، از نظر رهبران چینی اهمیت بسیاری دارد. درحقیقت چین افراط‌گرایی را یکی از موانع بزرگ برای دستیابی به توسعه بیشتر می‌داند (ترابی و صانعی، ۱۳۹۵: ۱۴). یک راه منطقی جهت کاهش پتانسیل واگرایی و نظارت بیشتر بر این منطقه‌ی قومی ناهمگون و جدایی‌طلب، امنیت‌زایی به واسطه توسعه اقتصادی منطقه

است. باتوجه به برنامه‌های اقتصادی چین در این منطقه، اتصال این منطقه به بازارهای جهانی از اولویت‌های چین می‌باشد.

۳-۴-۲. ایالت قومی بلوچستان

هرچند این ایالت محروم پاکستان با جمعیت پراکنده دارای منابع غنی، شامل: نفت، گاز، طلا و مس است، اما به دلیل درگیری‌های قومی و طایفه‌ای و همچنین عقاید جدایی طلبانه و با وجود فعالیت و حضور طالبان در این منطقه، همواره صحنه درگیری مردم این ایالت با دولت مرکزی بوده است. ضمن اینکه دولت پاکستان در این منطقه فاقد توانایی لازم از جهت تأمین امنیت مسیرهای ترانزیتی است (Priego, 2008: 61). در این منطقه، نزاع قدرت میان دولت مرکزی و رؤسای قبایل بومی منطقه، داری استمرار است؛ به همین دلیل منطقه بلوچستان همواره محل حضور تعداد زیادی از نیروهای نظامی حکومت است. ازطرفی مردم بومی بلوچ از از بهره‌برداری منابع طبیعی منطقه توسط دولت مرکزی، که سودی عاید بومیان نمی‌کند، خشمگین‌اند و این طرح را توطئه‌ای علیه بلوچ‌ها می‌دانند (Kanwal, 2018: 3). بی‌شک یکی از اهداف اصلی دولت پاکستان از طرح توسعه منطقه آزاد گوادر، ایجاد زمینه‌هایی جهت توسعه اقتصادی در ایالت عقب مانده بلوچستان است؛ زیرا وجود این فعالیت‌ها علاوه بر مسائل اقتصادی منطقه قومی بلوچستان، رشد فرهنگی و سیاسی این ایالت را به همراه دارد. توسعه این بندر به صورت بالقوه، قادر به ایجاد دو میلیون شغل برای ایالت بلوچستان است (Conrad, 2017: 56). به طورکلی، دولت پاکستان در بلوچستان در جهت اهمیت سرمایه‌گذاری و ایجاد طرح‌های اقتصادی، امکانات بیشتری را فراهم کرده است تا از این منطقه استفاده‌های مناسب خود را به عنوان پل ارتباطی افغانستان و ایران نیز داشته باشد. با توجه به این که چین سیاست توسعه اقتصادی را به مثابه شیوه‌ای برای غلبه بر چالش‌های امنیتی دنبال می‌کند، طرح توسعه بندر گوادر، می‌تواند سبب افزایش تلاش پکن و اسلام آباد نسبت به نا امنی‌های بلوچستان پاکستان شود (بهرامی‌مقدم، ۱۳۹۵).

۳-۵. اهمیت جایگزینی مسیر آبها و تنگه مالاکا

نزدیکی منطقه سرشار از نفت و گاز خلیج فارس و دستیابی به یک مسیر جدید تجارت بین‌المللی که مناطق دور افتاده غربی چین را از طریق راهای جاده‌ای و ریلی از وسط پاکستان به اقیانوس هند متصل کند، برای چین ضرورتی است اجتناب ناپذیر. چینی‌ها همواره به دنبال ایجاد یک مسیر جایگزینی برای تنگه مالاکا بودند. ۸۰ درصد تجارت نفت چین از طریق مالاکا صورت می‌گیرد که به نسبت مسیری طولانی و ناامن از حیث دزدی‌های دریایی است. غیرازاین، طولانی بودن مسیر مالاکا، مزید بر علت شده است. به عنوان مثال فاصله بندر شانگهای چین (نقشه شماره ۱-۱) با تنگه هرمز در خلیج فارس حدود ۱۰۰۰۰ کیلومتر دریایی از طریق تنگه مالاکا است در حالی که فاصله کاشغر چین تا گوادر پاکستان تنها ۲۸۰۰ کیلومتر است. از طرفی فاصله گوادر تا تنگه هرمز در خلیج فارس فقط ۳۰۰ مایل دریایی (۴۰۰ کیلومتر) است که بسیار مقرون‌تر و اقتصادی‌تر است (Ahmad, 2015: 6).

نقشه شماره ۱. مقایسه دو مسیر آبهای مالاکا و بندر گوادر در دسترسی تجارت چین



ترسیم از نگارندگان

از آنجایی که بندر گوادر در ذیل پروژه «دالان اقتصادی- چین و پاکستان» می‌گنجد؛ این دالان به عنوان بخشی از ابر پروژه جهانی «یک کمربند- یک راه» دارای نقش بالاهمیتی است، زیرا نسبت به مسیر دریای عرب در غرب چین به مراتب کوتاه‌تر است و

از طرفی در صورت تنش و درگیری در دریای چین جنوبی این مسیر جایگزین می‌تواند، چین را از وابستگی به مسیر آبهای مالاکا بی‌نیاز سازد (Hassan, 2018: 5-6). چین همچنین قادر است تجارتش را در رابطه با مناطقی نظیر آفریقا به جای استفاده از مسیر طولانی و ناامن مالاکا و اقیانوس هند به سمت گوادر سوق دهد.

نتیجه‌گیری

الزامات فهم روابط استراتژیک چین و پاکستان در چارچوب درک سیر تاریخی روابط درهم تنیده و بهم وابسته‌ی دو کشور بیش از شش دهه از استقلال پاکستان (در ۱۹۴۷)، تا کنون نهفته است. مقاله مزبور به بررسی نقش و جایگاه بندر استراتژیک گوادر در روابط چین و پاکستان پرداخت، با طرح این سوال که اساساً در طرح توسعه این بندر چه اهدافی نهفته است؟ فرض مقاله مزبور چنین بوده که اهداف توسعه بندر گوادر در ادامه روابط گسترده چین و پاکستان قابل تحلیل است. با این فرض که جدای از اهداف مهم تجاری و اقتصادی، اهدافی فراتر - از جنس امنیت نهفته است. درحقیقت، حصول کارکرد زیربنایی امنیت به اشکال امنیت موسع، هدف نخستین، اصلی و نهایی در طرح توسعه بندر مزبور است. مراد از امنیت موسع، نمود امنیت به‌اشکال گوناگون امنیت اقتصادی، امنیت نظامی - دفاعی، امنیت سیاسی، امنیت سرزمینی و... است. در این چارچوب، مهمترین اهداف توسعه بندر گوادر پاکستان، توسط چین اینگونه است: (۱) محاصره و نظارت بر هند، به عنوان رقیب و دشمن مشترک چین و پاکستان از طریق طرح‌هایی چون طرح «گردنبند مرواریدها»؛ (۲) برقراری هژمونی در برابر آمریکا با توجه به حضور گسترده آمریکا در قلمروهای آبی خلیج فارس، دریای عمان، اقیانوس هند، دریای چین جنوبی و...؛ این مسئله در چارچوب نظارت و کنترل بر محیط پیرامون، برای چین دارای اهمیت فراوانی است؛ (۳) نقش ایران و اهمیت بندر چابهار. در این چارچوب، بندر گوادر در رابطه با بندر چابهار ایران دوگانه‌ای از تهدید، رقابت و تعامل است. درحالی که دو بندر چابهار و گوادر با توجه به فاصله نزدیک آنها به یکدیگر، می‌توانند نقش هم‌پوشان و همگرایی در برقراری روابط نزدیک میان ایران، چین و پاکستان داشته باشد، اما از سویی توسعه هر کدام از این دو بندر بر نفوذ و جایگاه بندر رقیب هم

منابع

دارای آثار سوئی از حیث کم‌رنگ کردن نقش هرکدام از بنادر و به تبع، کشور رقیب است؛ ۴) از حیث امنیت‌زایی در مناطق واگرای قومی- مذهبی ایالت سین کیانگ برای چین و بلوچستان برای پاکستان که هر دو ایالت دارای پتانسیل تهدیدزا برای دو کشور هستند؛ و ۵) نقش گذرگاهی بندر گوادر با توجه به قرارگیری آن در ابرپروژه «یک کمربند-یک راه»، در دور زدن تنگه و آبهای طولانی و ناامن مالاکا که دارای آثار اقتصادی، امنیتی و سیاسی برای چین است.

امیراحمدیان، بهرام و صالحی دولت‌آباد، روح‌الله. (۱۳۹۵). «ابتکار جاده ابریشم جدید چین (اهداف، موانع و چالش‌ها)»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، سال نهم، شماره ۳۶.

اطاعت، جواد و احمدی، ابراهیم. (۱۳۹۴). «تحلیل ژئوپلیتیکی روابط پاکستان و همسایگان: تنش‌ها و تهدیدها»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، دوره ۷، شماره ۲۴.

بهرامی‌مقدم، سجاد. (۱۳۹۵). «پیامدهای حضور و نفوذ چین در بندر گوادر»، *مرکز بین‌المللی مطالعات صلح*، ۱۳ بهمن ۱۳۹۵.

ترابی، قاسم و صانعی، راضیه. (۱۳۹۵). «موانع تحقق ابرپروژه جاده ابریشم از چشم‌انداز نظریه همگرایی»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، سال دوازدهم، شماره ۳۵. حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: انتشارات پاپلی. دوثرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت. (۱۳۹۰). *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: انتشارات قومس.

شفیعی، نوذر. (۱۳۹۵). «اهداف و تاثیرات مختلف کریدور چین و پاکستان»، *مرکز بین‌المللی مطالعات صلح*، ۱۲ دیماه.

نوذر، شفیع و فرجی‌نصیر، شهریار. (۱۳۸۸). «بندر گوادر؛ کانال ورود چین به خلیج فارس»، *دوفصلنامه پژوهش سیاست*، سال یازدهم، شماره ۲۷.

شیهان، مایکل. (۱۳۸۸). *امنیت بین‌الملل*، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

شریعتی‌نیا، محسن. (۱۳۸۷). «آینده محیط امنیتی آسیا؛ متغیرهای تأثیر گذار»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۴۷.

عبدی، عطاءالله و رجب‌نژاد، ناصر. (۱۳۹۶). «تبیین پیامدهای ژئوپلیتیکی سرمایه‌گذاری چین، در گوادرن بر بندر چابهار»، *فصلنامه جغرافیا و توسعه*، شماره ۴۶. عزتی، عزت‌الله. (۱۳۸۶). *نظریه‌های جدید در جغرافیای سیاسی*، تهران: انتشارات قومس.

فرزین‌نیا، زیبا و ایاز، بهروز. (۱۳۹۵). «مناسبات راهبردی چین و پاکستان و تأثیر آن بر نظم منطقه‌ای جنوب آسیا»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال سی‌ام، شماره ۴. فرزین‌نیا، زیبا. (۱۳۹۰). «چین و پاکستان و آینده روابط»، *مرکز بین‌المللی مطالعات صلح*، ۲۳ بهمن.

فرزین‌نیا، زیبا. (۱۳۸۸). «روابط هند و چین: همکاری و رقابت»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۶۵.

کشمیری، سیدمحمد. (۱۳۹۵). «روابط آمریکا و چین: از همکاری اقتصادی تا روابط استراتژیک»، *مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، سال اول، شماره ۲. کتابی، محمود، دهقان، یداله و نصیری، سارا. (۱۳۹۵). «تبیین روابط استراتژیک چین و پاکستان»، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره پنجم، شماره ۱.

مسرور، محمد و خانی، محمدحسن. (۱۳۹۷). «بازآرایی ژئوپلیتیکی در دریای جنوبی چین»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال چهاردهم، شماره ۲، صص ۱۶۸-۱۹۶. محمدی، حمیدرضا و احمدی، ابراهیم. (۱۳۹۷). «موازنه‌گرایی در سیاست‌های ژئوپلیتیکی هند (با تأکید بر نقش و جایگاه بندر چابهار ایران)»، *پژوهش‌های دانش زمین*، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۴۶-۶۵.

محروق، فاطمه. (۱۳۹۵). «همکاری نظامی چین و پاکستان»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال هشتم، شماره ۲۹.

- Ahmad, Azhar. (2015). "Gwadar: Potential and Prospects", *Pak Institute for Conflict and Security Studies* (Accessed on 2015 January 29).
- Ali Khan, Zahid. (2012). Balochistan Factor in Pak-Iran Relations, Opportunities and Constraints", *Journal of South Asian Studies*, Vol.21, No.1.
- Boni, Filippo. (2016). "Civil-military Relations in Pakistan: a case Study of Sino- Pakistani relations and the port of Gwadar", *Commonwealth & Comparative Politics*, Vol.54, No.4, PP. 498-517.
- Buzan, Barry & Hansen, Lene. (2009). The Evolution of International Security Studies, Cambridge University Press, Information on this title: www.cambridge.org/9780521694223
- Balzacq, Thierry. (2009). *Constructivism and Securitization Studies*, London: Rutledge.
- Behnke, Andreas. (2006). "No Way Out: Desecuritization, Emancipation and the Eternal Return of Political Trends", *Journal of International Relations and Development*, Vol. 9, No.1.
- Conrad, Portia B. (2017). "China's Access to Gwadar Port: Strategic Implications and Options for India", Maritime Affairs: *Journal of the National Maritime Foundation of India*, Vol.13, No.1, PP.55-62.
- Fallon, Theresa. (2015). "The New Silk Road: Xi Jinping's Grand Strategy for Eurasia", American Foreign Policy Interests (AFPI), Vol.37, No.3.
- Garver, John W. (2012). "The Diplomacy of a Rising China in South Asia", *Foreign Policy Research Institute by Elsevier Ltd.*
- Hassan, Kanwal. (2017). "A Pakistani Overview of Pakistan-China Relations: From Geopolitical Compulsions to a Strengthening Co-operation" (Accessed on 2017 July 9). In: Center Asia EU
- Hamid, Akif & Hameed, Huma. (2016). "Pakistan's Print Media Presentation of Pakistan China Relation and New Silk Route Corridor Project (A Case Study of Chinese President Xi Jinping Visit Days)", *Journal of Political Sciences & Public Affairs*, Vol. 4, No. 1.
- Hrubos, Idiko. (2014). China-India Nuclear Relations, National Bureau of Asian Research (Accessed on 2014 October 28). At: <https://www.nbr.org>.
- India's Chabahar port project in Iran won't be impacted by US sanctions: Trump administration (Accessed on 2019 April 24). In: <https://www.businessstoday>.

- Ijaz KhanK. (2007). Pakistan's Strategic Culture and Foreign Policy Making, University of Peshawar.
- Jaffrelot, Christophe. (2011). "A Tale of Two Ports: Gwadar and Chabahar Display Chinese- Indian Rivalry in the Arabian Sea", *YaleGlobal Online* (Accessed on 2011 Jan 7), Retrieved from <https://yaleglobal.yale.edu/content/tale-two-ports>.
- Kanwal, Gurmeet. (2018). Pakistan's Gwadar Port; A New Naval Base in China's String of Pearls in the Indo-Pacific, *Center For Strategic & International Studies (CSIS)*, (Accessed on 2018, April 2), In: WWW.CSIS.ORG
- Khan Afridi, Manzoor. (2015). "An Era of Climax of Cordiality In Sino-Pakistan Relations", *International Journal of Social Science Studies*, Vol. 3, No. 3.
- Kataria, Jafar Riaz & Naveed, Anum. (2014). "Pakistan-China Social and Economic Relations", *South Asian Studies (A Research Journal of South Asian Studies)*, Vol. 29, No.2.
- Muzalevsky, Roman. (2015). "China's Rise and Reconfiguration of Central Asia's Geopolitics: A Case for US Pivot to Eurasia", *Army War College Strategic Studies Institute*.
- Mushahid, Hussain. (2013). "Pakistan and China: Strategic Partners in the 21st Century, *Pakistan-China Institut*.
- Malik, Hasan Yaser. (2012). "Strategic Importance of Gwadar Port", *Journal of Political Studies*, Vol. 19, No. 2.
- Priego, Alberto. (2008). "Pakistan between Central and South Asia RSC, *Central Asia and the Caucasus*," Vol.54, No.6.
- Ramachandran, Sudha. (2019). "India Doubles Down on Chabahar Gambit", *THE DIPLOMAT* (Accessed on 2019, January 14).
- Ring, Andrew H. (2012). "A U.S. South China Sea Perspective: Just Over the Horizon, " *Weatherhead Center for International Affairs*, Harvard University.
- SIPRI. (2019), Trends in World Military Expenditure, 2018, PP.1-12. Available at: <https://www.sipri.org>
- SIPRI Military Expenditure Database. (2014). "From: http://www.sipri.org/research/armaments/milex/milex_database.
- SIPRI Yearbook. (2013). Available at: SIPRI.org
- Shah, Ahmed, Hussain, Choudhry & Ishtiaq Ahmad. (2013). "Pakistan-China Diplomatic and Military Relations: An Analysis", *Berkeley Journal of Social Science*, Vol.3
- Stone, Marianne. (2009). "Security According to Buzan: A Comprehensive Security Analysis", Sciences Po -Paris, France Columbia University, School of International and Public Affairs - New York, USA.

- The Diplomat. (2016). What's Behind US Military Moves in the South China Sea?, Available-in:<http://thediplomat.com/2016/04/whats-behind-us-military-moves-in-the-south-china-sea/>
- Ullah, Qaisar, Berma, Madeline & Shahadan, Faridah. (2013). "The Economic Impact of Gwadar Port Development on Gwadar Region", *Pakistan, Proceedings of 3rd Asia-Pacific Business Research Conference*, Kuala Lumpur, Malaysia, ISBN: 978-1-922069-19-1.
- World Bank Databank. (2014), From: <http://databank.worldbank.Org/data/ views/ reports/ tableview.aspx#>

